

انتفاضه الاقصی

با وقوع انتفاضه الاقصی در سال ۲۰۰۰، آزار و اذیت رژیم صهیونیستی نسبت به این شهید و مسئول دانستن او برای رهبری یک هسته نظامی که در سال ۲۰۰۱، عملیاتی را انجام داد که منجر به کشته شدن دختر اسحاق عضو کنست شد، تشدید شد. رونی دانیل، خبرنگار نظامی کانال ۲ عبری، در اظهاراتی ادعایی او را مسئول انفجار چهار خودروی بمب‌گذاری شده می‌دانست که ده‌ها شهروند نشین را مجروح کرد. علاوه بر اینکه «شهید شحاده» را به کشتن یک سرباز در سال ۲۰۰۳ متهم می‌کردند. قابل ذکر است که شهید شحاده در عرصه‌های نظامی، سیاسی و اجتماعی اشکال کار مقاومت را متنوع می‌کرد و به امور و احوال مردم علاقه داشت و علاوه بر اشتیاق به وحدت ملی به کمک‌رسانی محرومان هم می‌پرداخت.

اشراف بر عملیات‌های موفق

وی علاوه بر سابقه چندین بار اسارت در زندان‌های رژیم صهیونیستی، بر بسیاری از عملیات شهادت‌طلبانه که به هلاکت شمار زیادی از نظامیان صهیونیست منجر شد به‌عنوان برنامه ریز و هدایت‌کننده، اشراف داشت. تا جایی که به‌عنوان نخستین فرد تحت پیگرد جوخه‌های ترور رژیم صهیونیستی قرار گرفت.

از اسارت تا اطمینان به شهادت

شهید صلاح شحاده در مورد دوران اسارتش نیز در زندان‌های رژیم صهیونیستی و رفتارهای وحشیانه این رژیم با وی می‌گوید: «صهیونیست‌ها بارها تمام موه‌های صورت و سینه‌ام را از جا کردند به طوری که من فکر می‌کردم از بس که این کار را تکرار کردند دیگر هیچ وقت این موها رشد نخواهند کرد. ناخن‌های دست و پاهایم را از جا کردند اما حتی یک آه هم از من نشنیدند زیرا همواره با قرآن انس گرفته بودم.» او بعد از آزادی، تلاش‌هایش را در جهت مبارزه با اشغالگری متمرکز کرد و به مانع‌تراشی‌ها و سنگ‌اندازی‌های تشکیلات خودگردان فلسطین در مقابل حماس کاری نداشت و در سایه همین مجاهدت‌ها موفق شد شماری از مقامات این تشکیلات را با خود همراه سازد و آنان را به عضویت این گردان‌ها درآورد که این امر نشان از توان بالای شهید صلاح در جذب و جلب دیگران به خود دارد. یکی از تفاوت‌های صلاح با دیگر فرماندهان شاخه‌های نظامی فلسطین را شاید بتوان در زندگی آشکار او جست‌وجو کرد. ام عبدالرحمن همسر صلاح می‌گوید: «او همیشه می‌گفت شهادتم حتمی است باید آشکارا فعالیت کنم و نباید در زیر زمین یا در خفی فعالیتی را انجام دهم.»

می‌خواهم در کنار مردم باشم

در یکی از روزها رفته بودیم بیرون از منزل و در کنار ساحل با او نشسته بودیم. یکی از جوانان آمد و گفت که صهیونیست‌ها تظاهراتی را به راه انداخته‌اند و رهبران آنها می‌خواهند تو را به شهادت برسانند. ایشان لبخندی زد و گفت من که تازه دامادم... «ابوطارق که محافظ شخصی شیخ صلاح بود نیز در همین باره گفته است: «صهیونیست‌ها در اواخر عمرش تصمیم به ترور او گرفته بودند و ما از او می‌خواستیم تا از ظاهر شدن در انظار عمومی خودداری کند، اما ایشان می‌فرمودند که هرگز دوست ندارم یک روز از عمر را در خفا بگذارم. یک روز زندگی آزادانه را بر چند روز زندگی در زیر زمین ترجیح می‌دهم. در آن صورت هیچ سودی به حال مردم ندارم. از آنچه انجام می‌دهم مزدی دریافت نخواهم کرد. من خود را وقف خدا کرده‌ام و می‌خواهم بقیه عمرم را نیز وقف حضرت دوست کنم.»

جهاد صلاح شحاده با هر چه که داشت

صلاح نقش بی‌بدیلی در تجهیز شاخه نظامی حماس به انواع تسلیحات موشکی و انفجاری نوین داشت. از زمانی که از زندان‌های صهیونیستی آزاد شد، با توسعه فعالیت‌های نظامی خود، خمپاره و راکت‌ها و موشک‌های گردان‌های قسام را مدرن‌تر کرد و ساخت آنها را توسعه داد. بیشتر اوقات خسته و کوفته به نظر می‌رسید و در راستای توسعه فعالیت‌های نظامی می‌کوشید و از عملیات شهادت‌طلبانه گرفته تا اقدامات مربوط به حمله به شهرک‌های یهودی‌نشین و ساخت و تجهیز موشک‌اندازهای یاسین و موشک‌های البتار و نارنجک‌های دستی و هوشمند و گذشته از آن موشک‌های قسام که به شهرک‌های دشمن صهیونیستی لرزه انداخته است و دشمن صهیونیستی را مجبور به عقب‌نشینی کرد. فرمان‌پذیری صلاح از رهبری حماس طوری بود که با وجود قدرت و اقتدارش، اگر شیخ شهید «احمد یاسین» فرمانی را صادر می‌کرد، هر چند موافق میلش هم نبود، اما از آن سرپیچی نمی‌کرد و به آن پایبند بود. برای مثال زمانی که یکی از مزدورانی که در ترور یکی از مبارزان دست داشت دستگیر شد، شیخ احمد یاسین دستور آزادی وی را صادر کرد و با وجود اینکه صلاح شحاده با این تصمیم موافق نبود، اما آن را پذیرفت و به آن گردن نهاد و خدا را شکر که این مزدور بعدها نیز کشته شد. این از خصوصیات فرماندهان نظامی در مقاومت اسلامی است که نه تنها خود، بلکه تمام خانواده را به همراه خود برای آزادی قدس به معرکه نبرد می‌آوردند و این امر در خصوص شیخ شهید نیز صدق می‌کرد. برادرزاده او (بلال که برایش به اندازه فرزندانش دوست داشتنی بود) در حالی که تنها ۱۹ سال داشت به دست همین سردار در ۲۰۰۲/۳/۱۳ راهی میدان نبرد شد تا با انجام عملیاتی شهادت‌طلبانه در شهرک صهیونیست‌نشین «نتساریم» طعم مرگ را به کام جمعی از اشغالگران بچشاند.

شهادت، با بی‌رحمی صهیونیست‌ها

روز ۲۳ جولای ۲۰۰۲ روزی بسیار شوک‌آور برای همه فلسطینی‌ها به ویژه ساکنان منطقه الدرچ در شرق غزه بود. در این روز صدای انفجار بسیار شدیدی که ناشی از پرتاب موشک یک تنی از سوی جنگنده‌های رژیم صهیونیستی به یکی از منازل این منطقه پرجمعیت بود، به گوش رسید. زمان زیادی طول نکشید تا اینکه فلسطینی‌ها متوجه شدند فردی که هدف حمله قرار گرفته «صلاح شحاده» مؤسس گردان‌های عزالدین قسام است. در این حمله وحشیانه صهیونیست‌ها که با نظارت مستقیم «آریل شارون» نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی انجام شد، علاوه بر شحاده، همسروی، «زاهر نصار» از فرماندهان قسام و هشت کودک فلسطینی به شهادت رسیدند. شارون پس از این عملیات، به ارتش رژیم صهیونیستی به علت کشته شدن «دشمن شماره یک اسرائیل» تبریک گفت. صلاح شحاده بعد از یحیی عیاش بزرگترین فرمانده‌ای بود که شهادت‌طلبان جنبش حماس به خود می‌دیدند و امروز از آن جمع سه نفره بنیانگذاران یگان‌های «شهید عزالدین قسام» (شاخه نظامی حماس) تنها یک سردار دیگر به جا مانده است: «محمد الضیف»!

صلاح نقش

بی‌بدیلی در تجهیز

شاخه نظامی

حماس به انواع

تسلیحات موشکی

و انفجاری نوین

داشت. از زمانی

که از زندان‌های

صهیونیستی آزاد

شد، با توسعه

فعالیت‌های

نظامی خود،

خمپاره و راکت‌ها

و موشک‌های

گردان‌های قسام

را مدرن‌تر کرد و

ساخت آنها را توسعه

داد